

## سایه‌های شعوبیه

علی عبدالهی

### پیش درآمد

پس از سلطه‌ی اعراب بر ایران، مردم به پرداخت خراج و جزیه رضایت دادند اما یکباره آرام نگرفتند و شورش و اضطراب سال‌ها در ولایت‌های ایران دوام یافت. دسته‌ای از مردم که با ایمان به دین اسلام گرویده بودند به دلیل نهادینه نشدن فرهنگ دینی جدید در زمانی کوتاه، بسیار کم‌تعداد بودند. دسته‌ای برای فرار از جزیه و خراج و اهانت‌هایی که درباره‌ی موالی رومی داشتند و همچنین کسب آسایش و دسته‌ای به طمع جاه و مقام خود را مسلمان نشان می‌دادند. اما گروه دیگر که تعدادشان بیش از دو گروه دیگر بود به دین نیاکان خود مانده، در انتظار فرصت برای رهایی از حکومت سلطه‌گران بودند. مزداییان و یهودیان جزیه دادن را ترجیح می‌دادند.<sup>۱</sup>

در دوره‌ی خلفای راشدین با مردم ناحیه‌ای که با جنگ و مقاومت تصرف شده بود با خشونت رفتار می‌شد. جمعی را که می‌توانستند می‌کشتند و دیگران را به اسارات و اموال را به غنیمت می‌بردند. اعراب تلاش‌های گسترده‌ای نیز جهت انقطاع تاریخی ایرانیان از میراث تاریخی فرهنگی گذشته‌ی ایران که بهترین روش هویت‌زدایی بود، داشتند. در الغدیر آمده است که عمر بن وقاص در جریان اشغال ایران به دستور عمر همه‌ی کتاب‌ها را سوزاند و تا شش ماه حمام‌ها را با کتاب‌سوزی گرم نگه داشت. این موضوع در تاریخ ابن‌خلدون، کشف‌الظنون و مختصرالدول ابن‌عبری نیز ذکر شده است.<sup>۲</sup> از طرفی ایرانیان نیز به گردآوری شاهنامه‌ها و اساتیر خود پرداختند. در سلیم و الغدیر آمده که عمر بن خطاب در نامه‌ی سری خود به ابوموسا اشعری

۱. جنبش‌های دینی.

۲. اسلام در ایران (ناث).

می‌گوید: موالی و مسلمانان عجم بالغ را گردن بزن.<sup>۱</sup> از این سو واکنش‌های ایرانیان با ترور عمر و شرکت در شورش علیه عثمان نمایان شد. در سال ۳۰ هجری مردم خراسان که قبول اسلام کرده بودند مرتد شدند عثمان، عبدالله عامر و سعید بن عاص را فرمان داد که آنان را سرکوب کنند و عرب‌ها برای بار دوم مجبور شدند گرگان و تبرستان و تمیشه را فتح کنند.<sup>۲</sup> گوستاو لوبون در تاریخ تمدن اسلام و عرب می‌گوید: «این امر ممکن است که یک ملیت را مجبور سازند عناصر مدنیت و نظامی را که مخالف با نظام اوست قبول کند لکن به مجرد برطرف شدن قوهی قهریه تمام عقاید و رسوم قدیمه‌ی آن قوم، عود خواهد کرد بعد نظام قدیمه است که با نام جدید با تغییراتی در الفاظ و عبارات جریان می‌یابد.»<sup>۳</sup> و به‌گفته‌ی مهرداد بهار در پی همزیستی دو فرهنگ بیگانه بر اثر تسلط نظامی و سیاسی یکی بر دیگری باید منتظر بروز اشکال فرهنگی درازمدتی در آن سرزمین بود.<sup>۴</sup>

در منابع اسلامی شایع است که کیسان یکی از اسیران ایرانی مدینه در قتل عثمان دست داشته است.<sup>۵</sup>

و پس از او فرقه‌ی کیسانیه به‌عنوان یکی از شعب شیعه به‌حیات خود ادامه داد. ایرانیان تا سال ۳۲ که یزدگرد زنده بود هنوز امید واثق به تجدید آزادی داشتند. از این سو هر چه زمان می‌گذشت خلوص نیت، شور و شوق دینی کاهش می‌یافت و نخوت و جاه‌طلبی غلبه می‌کرد. فتح ممالک، تحصیل ثروت‌های هنگفت و ظهور نسل جدید نیز در این امر موثر بود.

اما خلافت علی(ع) از آن‌جا که با طبع ایرانیان سازگارتر و در کوفه ناحیه‌ی باستانی تمدن‌های سومر، آشور، بابل، اشکانیان و ساسانیان بود طرفدارانی گرد او آورد.<sup>۶</sup> مردم ایران تا دو‌یست سال پس از فتح ایران دچار بحران هویت بودند و سده‌های نخستین اسلام را به‌گفته‌ی استاد صدیقی می‌توان سده‌های برزخی و بحرانی نامید. اما در نهایت فرهنگ غنی، فرهنگ مهاجم را هضم خواهد کرد و بر آن غالب می‌آید. دکتر حمید بهرامی دلیل نفوذ و موفقیت نهضت فکری ایرانیان را در داشتن مایه‌های درست برخورد

۱. همان.

۲. تاریخ تمدن اسلام و عرب.

۳. اسلام در ایران (ناث).

۴. دو قرن سکوت.

۵. پژوهشی در اساتیر ایران.

۶. جنبش‌های دینی.

با مسایل اجتماعی می‌داند.<sup>۱</sup>

### ریشه‌های پیدایش و تحول ماهیت

به تقریب بیش‌تر محققان، بیداد و جور بنی‌امیه را سبب اصلی پیدایش بیداری ملی ایرانیان که آن را شعوبیه خوانده‌اند، می‌دانند اما با تاملی بیش‌تر ریشه‌ها و هسته‌ی اولیه‌ی این جنبش فراگیر را در همان لحظه‌های ورود بیگانه و فرهنگش باید جست‌وجو کرد. در واقع تعدی بنی‌امیه روند پیدایش و تحول آن را تسریع بخشید، مقصود آن‌که هدف اصلی این جنبش مبارزه با فرهنگ بیگانه و در راستای آن مبارزه با حکومت نژادپرستی چون بنی‌امیه بود. عصبیت قبیلگی از گذشته در میان اعراب سابقه داشت و پس از اسلام به تعصب در نژادپرستی بدل شد از جمله دعبل و کمیت دو شاعر عرب که در طرفدارای از آل‌علی هم‌عقیده بودند در تعصب قبیلگی برای هم هجوها ساختند<sup>۲</sup> اعراب آیه‌ی «و من یتغ غیر اسلام دینا فلن یقبل منه» را به‌زبان و نژاد نیز تعمیم می‌داند بسیاری از تواریخ چون الکامل ابن اثیر و آداب اللغه العربیه، مروج الذهب و... نیز موید این نظرند. ابن‌خلدون نیز اعراب را از تمدن و علم دور و به‌خرافات و موهومات نزدیک دانسته است.<sup>۳</sup>

در عهد بنی‌امیه مشاغل به‌عرب اختصاص داشت و کمال خشونت و اهانت به‌اقوام دیگر که آن‌ها را علوج، عجم، اسراء و موالی می‌خواندند، معمول بود. دکتر محمدحسین مصری می‌گوید: «الدوله الامویة مشهور بتعصبها لعنصر العرب و لکل ماهو عربی و الاستخفاف بمن عداهم من سائر الاجناس».<sup>۴</sup>

در دوره‌ی معاویه عمال عرب به‌پیروان سایر ادیان تعدی می‌کردند. از جمله جاحظ درباره‌ی کشتن هیربدان فارس، خاموش کردن آتشکده‌ی مهم کاریان و آتش‌های دیگر در زمان ولایت زیاد بن ابیه به‌دست عبیداله فرزند ابی‌بکره و همچنین خراب کردن «نوبهار» بلخ و کشتن بطریقان اران سخن می‌گوید.<sup>۵</sup>

بیداد عمال عرب با تسلط حجاج بر عراق و خراسان و سجستان شدت یافت. او

۱. شعوبیه و تأثیرات آن در سیاست.

۲. شعوبیه + همایی.

۳. اسلام در ایران (ناث).

۴. شعوبیه + همایی.

۵. جنبش‌های دینی.

قتیبه بن مسلم یکی از جنایتکاران تاریخ را به ولایت خراسان منصوب کرد کار او تجاوز به صاحبان ادیان و سوختن آثار مذاهب و اجبار مردم به قبول اسلام بود. در تاریخ بخارا آمده است که: هر باری اهل بخارا مسلمان شدند باز چون عرب بازگشتندی ردت آوردندی قتیبه سه بار ایشان را مسلمان کرده بود و باز کافر شده بودند. ابوریحان بیرونی نیز از قتل و غارت و کتاب‌سوزی قتیبه در خوارزم حکایت می‌کند. یزید بن مهلب از دیگر عمال عرب با خدا عهد کرد که اگر بر جرجان (گرگان) ظفر یابد آنقدر بکشد که از خون آسیا راه اندازد و چنین کرد. (فارسنامه)<sup>۱</sup>

قساوت زیاد بن ابیه، عبدالله زیاد و حجاج در حق شیعه‌ی عراق و دفع قیام آن‌ها زمینه‌ی اتحاد شیعه با ایرانیان را در برابر دشمن مشترک فراهم آورد. حضور بسیاری از ایرانیان در نهضت مختار گواه این نظر است. ایرانیان چند طریق برای مقابله با اعراب پیش گرفتند، یکی قیام ادبی و اجتماعی بود که اسلامی را با تعصب عربی مخالف می‌دانست و به‌آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی حجرات «ان اکرمکم عندالله اتقکم» تمسک می‌جست.<sup>۲</sup> اینان اهل تسویه یا مساوات بودند که با سیادت فطری اعراب مخالفت کردند. دیگر قیام سیاسی که گاه با هدف تحریف اسلام - که نوعی مقاومت منفی علیه حکومت بود - انجام می‌شد، در عصر عباسی شیوعی عجیب یافت. ظهور اهل تسویه که هسته‌ی شعوبیه را در خود پنهان داشت زمینه‌ای برای ظهور شعوبیان ناسیونالیست که گاهی قبول اسلام نکرده بودند فراهم کرد. آن‌ها اعراب را از دیگر اقوام پست‌تر می‌دانستند در ذکر مطاعن آن‌ها افراط می‌کردند. هر ایرانی گمنامی خود را از فرزندان جم و خسرو و کسرا و قباد می‌دانست و اعراب را بی‌دانش، غارتگر و فرزندکش می‌شمرد. ابن قتیبه در کتاب‌العرب از موضوع انتساب همه‌ی فارس‌ها به اکاسره در شگفت مانده و می‌گوید پس اوساط و اراذل عجم کجا رفته‌اند!<sup>۳</sup> لسان‌العرب، شعوبیه را کسانی می‌داند که شان عرب را کوچک می‌شمارند. ابن اثیر شعوب را به‌عجم تفسیر کرده و به تفسیر صحاح‌اللغه شعب یعنی ابو قبایل که نسب تمام قبایل بدو می‌رسد. ابن منظور می‌گوید در دوره‌ی عمر به‌عاجم، شعوب می‌گفتند و بعدها به‌عاجمی اطلاق شد که به تحقیر فرهنگ عرب می‌پرداختند.<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. تاریخ ادبیات صفا.

۳. شعوبیه + همایی.

۴. شعوبیه افتخارزاده.

و یک نویسنده‌ی معاصر عرب در باب شعوبیه می‌گوید: هی فی الحقیقه نوع من الایمقراطیه یحارب استقراطیه العرب<sup>۱</sup>. احمد امین مصری می‌گوید: در عهد اول عباسی شعوبیه بر پان عجمیسم اطلاق شد. گلدزیهر شعوبیه را ناسیونالیسم ایرانی معنا می‌کند. ابن‌قتیبه شعوبیه را از فرومایگان نبطی یا روستاییان و برزگران ایرانی دانسته است. اما چنان‌که از اخبار برمی‌آید شعوبیه نه تنها در طبقات بالا نیز بوده‌اند بلکه دست‌های پس پرده و سیاست‌های اصلی شورش‌ها از سوی آن‌ها هدایت می‌شده است و این نکته را احمد امین در ضحی‌الاسلام نیز تصریح کرده است. در ضمن باید یادآور شد که سران شعوبیه در هیات پیشه‌وران در شهرها به تبلیغ می‌پرداختند.<sup>۲</sup>

قدیمی‌ترین کتابی که از شعوبیه به معنای این فرقه نام برده، البیان و التبیین جاحظ است.<sup>۳</sup> آن‌چه مسلم است این قیام ابتدا به صورت ادبی سپس به شکل سیاسی و بعد به صورت علمی ظاهر شد. حس نفرت از اعراب که نارضایی موالی و اهل ذمه، آتش تند آن را دامن می‌زد در اواخر عهد اموی خراسان را کانون مناسبی برای نشر دعوت شیعه کرد.<sup>۴</sup>

جاحظ یکی از دگرگونی‌های شعوبیه را قیام علیه دین اسلام پس از مبارزه با نژادپرستی دانسته و آنان را از به‌شک افتادگان در دین می‌شمارد.

تا آن‌که در سال ۱۲۸ بهزادان معروف به ابومسلم به دستور ابراهیم امام دعوت خود را آغاز کرد و با جلب دهقانان و کشاورزان و استفاده از دو تیرگ عرب موفق به انقراض امویان شد.<sup>۵</sup> عهد اموی که قریب یک سده طول کشید عهد بدبختی و انتظار مردم ایران بود.

پس از تاسیس دولت عباسی شعوبیه نیرو گرفت و نظریه‌ی ایشان از حد اعتدال درگذشت. پس از مرگ امین و نفوذ وزیران ایرانی از جمله فضل فرزند سهل به‌دربار مامون، شعوبیه قدرت بیش‌تری یافت. جاحظ در کتاب بیان و تبیین سلطنت بنی‌عباس را دولت عجمیه‌ی خراسانیه نامیده است.<sup>۶</sup>

اما والیان عباسی نیز در تعدی به مردم از پیشینیان خود عقب نماندند. بشار بن برد در

۱. شعوبیه + همایی.

۳. همایی.

۵. همایی.

۲. حلاج.

۴. تاریخ ایران پس از اسلام.

۶. زندگی جاحظ.

هجوهای خود تصریح می‌کند که بنی‌عباس در جنایتهای خود روی بنی‌امیه را سفید کرده‌اند.<sup>۱</sup> در حدود سال ۱۶۰ مردم تبرستان بر اثر فشار حکام بر عربان شوریدند و تمام کارگزاران خلیفه و هر که را مسلمان شده بود کشتار کردند.<sup>۲</sup> شعوبیه بزرگ‌ترین مقاومت ایرانیان در جهت خودآگاهی ملی بود اما شوربختانه در مراحل افراطی خود رو به راسیسم و نژادپرستی آورد.

### تسامح و نفوذ شعوبیه

تقابل شعوبیه با دین اسلام به‌علت آن‌که به‌صورت پنهان و آشکار و در شکل‌های گوناگون صورت می‌گرفت کمی پیچیده به‌نظر می‌رسد. به‌گفته‌ی استاد صدیقی ورود اسلام در ایران بسیار پرحادثه و تبادار اتفاق افتاد و این دین به‌دسته‌ها و فرقه‌های گوناگون منشعب شد. به‌تقریب در تمام روش‌هایی که شعوبیه پیش می‌گرفتند هدف، انهدام دین جدید بود. گروهی از روش تعدیل اسلام از طریق تحریف در آن استفاده می‌کردند. گروهی به‌قیام بر احیای دین کهن با تمایلات نژادی گرایش داشتند و در واقع کار آن‌ها تغییر دین از طریق تبلیغ دین کهن بود. دسته‌ای، به‌بنیانگذاری دین ترکیبی جدید همراه با مبارزه‌ی مسلحانه پرداختند این ترکیب به‌طور معمول از مذهب شیعه با ادیان زمان ساسانی مانند مانوی و مزدکی - که مورد سرکوب قرار گرفته بودند - تشکیل می‌شد.

تخریب اسلام از طریق حمله‌ی مستقیم یا تخریب از راه تخیل از روش‌های دیگر شعوبیه بود. از آن‌جا که در ایران ساسانی دین قوه‌ی معنوی مهم و محور اعمال مردم شمرده می‌شد و به‌گفته‌ی استاد صدیقی مشخصه‌ی ایرانیان بود، به‌همین جهت داعیان حکومت‌طلبی نیز با نظریه‌های دینی به‌میدان می‌آمدند. در بین حزب‌ها و مذهب‌های آن‌ها که با امویان مخالف بودند در میان شعوبیه طرفدارانی یافتند. برخی از شعوبیان هرچه منسوب به‌عرب بود از جمله اسلام را در مورد حمله قرار می‌دادند و قرآن را با کتاب‌های ایرانی عهد ساسانی می‌سنجیدند.<sup>۳</sup> اصمعی شاعر پان‌عریست درباره‌ی برمکیان می‌گوید: اگر پیش ایشان آیتی از قرآن بخوانند ایشان در مقابل از مزدک (مروک)

۱. افتخارزاده.

۲. جنبش‌های دینی.

۳. همان.

سخن می‌گویند.<sup>۱</sup> مردم برای رهایی از دشواری‌ها به هر وسیله دست می‌یازیدند برخی می‌کوشیدند آیین‌های پیش از اسلام را رواج دهند گروهی به خوارج می‌پیوستند و با آن‌ها علیه خلافت قیام می‌کردند. از نمونه‌های این اختلاط حمزه‌ی آذرک از خوارج بود که نسب خود را به زوتهماسب می‌رساند.<sup>۲</sup> در تعالیم خوارج گاه سخنان سازگاری با مقاله‌های شعوبیه وجود داشت خوارج معتقد بودند خلافت نباید به اعراب منحصر شود قیام خوارج در خوزستان و کرمان و سیستان بیش‌تر بود و در خراسان نیز شورش‌ها همواره برپا می‌شد.

جاحظ در کتاب البخلاء می‌گوید: الشعوبیه المبعضون لآل النبی و اصحابه ممن فتح الفتوح و قتل المجوس و جاء بالاسلام.<sup>۳</sup> شعوبیه با شیعه و معتزله نیز همداستان شد. شعوبیان از قساوت امویان در کشتار زیدبن علی و پسرش یحیا استفاده کردند، با شیعه متحد شدند<sup>۴</sup> به همین جهت ایران پناهگاه مخالفان حکومت شد.

معتزله برخی از معجزات قرآن را قبول نداشتند<sup>۵</sup> و در فرقه‌ی آن‌ها نفوذ شعوبیه آشکار بود. نگاهی به فرقه‌های اسلامی سده‌ی اول و دوم و موسسان این فرقه‌ها و دوستان آن‌ها رفتارهای بدعت‌گزارانه و تعدیل‌گرایانه‌ی ایرانیان را در دین روشن‌تر می‌سازد. دکتر زرین‌کوب پیدایش این فرقه‌ها را صورتی دیگر از تجلی روح استقلال‌طلبی ایرانیان می‌داند که به این وسیله سعی کردند برتری فکر و استقلال روح خود را نسبت به فاتحین اظهار کنند.<sup>۶</sup> این موسسان اولیه یا ایرانی بودند یا مشاوران ایرانی داشتند برخی از آن‌ها فرقه‌های سیاسی تشکیل می‌دادند و سرانجام آن‌ها به یک فرقه‌ی مذهبی و یک ساخت ایدئولوژی بدل می‌کردند. به‌طور مثال فرقه‌ی مرجئه یک فرقه‌ی سیاسی بود که به فرقه‌ی مذهبی تبدیل شد. آن‌ها ارتکاب معاصی را زایل‌کننده‌ی ایمان نمی‌دانستند. فرقه‌ی قدریه که کار را به اختلاف در اصول عقاید رسانید معتقد به حریت انسان در اعمال خود بود دو تن از پیشوایان این فرقه معبدالجهنی و غیلان دمشقی از موالی بودند که تعلیمات نصرانی را وارد مذهب خود کردند و متعصبان مسلمین پیروان

۱. همان.

۳. زندگی جاحظ.

۵. حلاج.

۲. همان.

۴. تاریخ ایران پس از اسلام.

۶. از چیزهای دیگر.

آن‌ها را مجوس هذمه الامه خواندند.<sup>۱</sup>

از دیگر ایرانیان جهنم بن صفوان، موسس فرقه‌ی مجبره بود که بحث همیشگی نبودن بهشت و جهنم را پیش کشید. واصل بن عطا، موسس معتزله نیز از موالی بود که مذهب او به بیست فرقه منقسم شد.<sup>۲</sup> شیعه، زیدیه و اسماعیلیه نیز از مقالات ائمه معتزله استفاده کردند.

هشامیه گروهی بودند که خداوند را به صورت انسان و دارای حواس پنجگانه می دانستند. شیطانیه، یونسیه و زراریه نیز از فرقه‌های معتزله بودند. نجاریه عقاید مجبره و قدریه را با هم ترکیب کردند و به گروه برغوئیه و زعفرانیه که در ری مشغول فعالیت بودند تقسیم شدند.<sup>۳</sup> گروهی به نام ضراریه که عقاید مجبره و معتزله را ترکیب کرده بودند، معتقد بودند مومنان روز قیامت ماهیت خداوند را با حس ششم درک خواهند کرد. محمد بن کرام از اهل سیستان کرامیه را که اعتقاد به تجسید معبود را رواج می داد بنیان گذاشت و گویا آن‌ها از عقاید مانویه متأثر بودند.<sup>۴</sup>

از فرقه‌های حلولیه نیز بیانیه، مغیریه، حربیه، رزامیه، ابومسلمیه، راوندیه و حلمانیه از همه معروف تر بدند که بیش تر، ایرانیان در راس آن‌ها قرار داشتند. هجویری ملاحظه‌ی حلولیه را دو گروه می داند، «یکی تولا به ابن حلیمان دمشقی کنند» او از مردم فارس بود - «دیگر نسبت مقاتلت به «فارس» کنند و وی دعوی کند که این مذهب حسین بن منصور (حلاج) است.<sup>۵</sup> گویا حلاج در چندین رساله‌ی مذهبی به ابطال نبوت پرداخته بود.<sup>۶</sup> دست کم می توان گفت قیام و قتل حلاج بهانه‌ای برای نشر اخبار متناقض و پیدایش فرقه‌های دیگر به دست شعوبیه داد. روسای درزیه از شعب اسماعیلیه که اعتقاد به حلول داشتند همه ایرانی بودند. اسماعیلیه به دلیل ترکیب فلسفه با دین در مراحل عالی دعوت خود فلاسفه‌ی بزرگ را هم ردیف انبیا قرار می دادند.<sup>۷</sup> در خراسان و عراق نیز مذاهب مختلف پیایی ظهور می کردند. عامل مشترکی که به تقریب هم میان صوفیه، هم اسماعیلیه و معتزله و بعضی

۱. حلاج.

۲. تاریخ ادبیات صفا.

۳. همان.

۴. همان.

۵. کشف المحجوب.

۶. قوس زندگی حلاج.

۷. تاریخ ادبیات صفا.



فرقه‌های ایرانی دیگر وجود داشت، نفی لایه‌های ظاهری و روی آوردن به باطن امور بود که البته در میان فرقه‌ها شدت و ضعف داشت و علم کردن عامل عقل برابر سنت - به‌طور غیرمستقیم - در معتزله، اسماعیلیه و قرامطه دیده می‌شد. در این آشوب بود که گروهی نیز با نفوذ در فقه آغاز به فعالیت بدعت‌گزارانه کردند و مخلصانی چون ناصرخسرو را این‌گونه به اعتراض واداشتند:

می‌جوشیده حلال است سوی صاحب‌رای

شافعی گوید «شطرنج مباح است بباز»

صحبت کودکک ساده ز نخ را «مالک»

نیز کرده است تو را رخصت و داده است جواز

می و قمار و لواطت به‌طریق سه امام

مر تو را هر سه حلال است، هلا سر بفراز<sup>۱</sup>

بهره‌برداری سیاسی تبلیغاتی از تشیع و شعایر آن در خراسان بزرگ و ایران مرکزی به‌کار شعوبیه رونق بخشید. حمایت از بنی‌هاشم یکی از تدابیر بزرگ سیاسی شعوبیان در جهت براندازی سیادت عرب بود که در انتظار رنگ حمایت از دین داشت، اما نفوذ اشرافیت ایرانی در تشیع سعی در فشار به‌خلافت و رسیدن به‌حکومتی بود که دست‌نشانده‌ی آنان باشد. آن‌ها به‌ظلمی که به‌حسین(ع) و خاندان او در کربلا شده بود اظهار تنفر می‌کردند.<sup>۲</sup> بعضی از کتاب‌های ابو‌عیسا وراق - که در باطن مانوی بود - در تایید شیعه بود و مورد ستایش شیخ مفید واقع می‌شد.<sup>۳</sup>

گروهی از محققان روایت ازدواج امام حسین و شاهزاده‌ی ساسانی را روایت جعلی و ساختن و ترویج آن را در جهت آشتی دادن و اتحاد شیعه با شعوبیه دانسته‌اند از جمله این محققان اشپولر است. برخی از مورخان ایرانی و اروپایی نیز در این‌باره نظراتی تاریخی ارائه داده‌اند. نولدکه می‌گوید: یزدگرد هنگام قتل در مرو ۱۹ تا ۲۰ سال داشته، دکتر مشکور بر آن است که: یزدگرد در اواخر عمر زن و فرزند خود را به‌تخارستان برد و خود به‌مرو آمد و شکی نیست که دختران یزدگرد با اعراب روبه‌رو نشده‌اند. سعید نفیسی معتقد است که دختری از یزدگرد به‌نام شهربانو وجود نداشته و یزدگرد در زمان

۲. همایی + ممتحن.

۱. دیوان ناصرخسرو.

۳. نه شرقی و نه غربی انسانی.

حمله‌ی عمر پانزده ساله بوده است. دکتر ناث این امر را افسانه‌ای، ساخته‌ی سده‌ی سوم می‌داند. شایان ذکر است که بلاذری، خوارزمی، یافعی (مرآت‌الجنان) مبرد، ابن طولون، احمد امین مصری و ابن سعد نام مادر امام سجاد را سلافه و ام‌ولد ذکر کرده‌اند. در تجارب‌الامم نیز آمده که یزگرد خانواده و ذخايرش را جلوتر از خود به‌حلوان فرستاد. در قطعه‌ای از ابوالاسود دوئلی شاعر شیعی که گرایش شعوبی نیز داشته به این روایت استناد شده است.

و ان غلام بين كسرى و هاشم  
لاكرم من نيظت عليه التمام<sup>۱</sup>

این روایت در کتاب‌های فقهای شیعه چون عیون از شیخ صدوق، ارشاد از شیخ مفید، بحار‌الانوار از مجلسی و کتاب خرایج راوندی آمده است.<sup>۲</sup> نفوذ عقاید شعوبیه در غلات شیعه وضوح بیش‌تری دارد. غلاه در آغاز به‌غلو درباره‌ی ائمه می‌پرداختند اما از سده‌ی دوم برخی فرقه‌های ایشان مطالب غلوآمیز را با سیاست آمیخته با دولت اموی و عباسی به‌مخالفت پرداختند. غلاه شیعه مردم ساده‌دلی بودند که ائمه را در حد خدا بالا می‌بردند اما در ورای این فرقه دست‌های پنهان و مغزهای متفکری سعی در تخریب دین جدید داشتند، برخی از آن‌ها چون سلمانیه معتقد به‌لوهیت سلمان بودند. حلاجیه از غلاه حلولی شیعه بودند. خرمیه از غلاه پیروان بابک خرمدین و مازیاریه از پیروان مازیار بودند.<sup>۳</sup> در پشت فرقه‌های هاشمیه، کیسانیه و قرمطیان نیز دست شعوبیه کار می‌کرد.<sup>۴</sup> شعوبیه در یک تعامل دوطرف با مانویان و گاه به‌شکل نفوذ در آن‌ها به‌فعالیت می‌پرداختند. این امر باعث اختلاط افکار و عقاید آن‌ها شد و شعوبیانی چون بشار، ابن مقفع، ابونواس و ابوالعتاهیه و دیگران به‌زندقه متهم شدند. گلدزیهر بیش‌تر پیروان شعوبیه را از زندیق‌ها می‌داند. سنباط که نام روسای فرقه‌ای از ارامنه که تمایلات مانوی داشتند، بود بنا به‌روایاتی اساس تعالیم خود را از یک طبیب ایرانی به‌نام مجوسیک اخذ می‌کردند.<sup>۵</sup>

جناح شعوبیه عقاید مزدکی - مانوی را تبلیغ می‌کرد. دکتر زرین‌کوب نیز تصریح می‌کند که شعوبیه به‌زندقه افتادند.<sup>۶</sup> زنداقه درباره‌ی قرآن به‌نیک‌ی سخن نمی‌گفتند و

۱. اسلام در ایران (ناث).

۲. تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام.

۳. نه شرقی نه غربی انسانی.

۴. همان.

۵. شعوبیه (ممتحن).

۶. تاریخ ایران.

بعضی آیات آن را متناقض می‌دانستند. گویند یزدان بن باذان در مکه بود طواف مردم را بر گرد حرم دید، بخندید و گفت این قوم، گاوان را مانند که به پای خویش خرمن می‌کوبند.<sup>۱</sup> به گفته‌ی بلعمی گروهی از زنادقه چون صالح عبدالقدوس، عبدالله بن مقفع، یزدان‌داد و عبدالله بن داوود گردهم آمدند و گفتند «باید کی یکی قرآن بنهیم همچنین به فصاحت... و به سخن و معنا... به مردم بنماییم که قرآن را محمد(ص) نهاده است».<sup>۲</sup>

ابن‌راوندی از متفکران مادی که صد و چهارده کتاب و رساله نوشته بود<sup>۳</sup> در کتاب الزمرد، معجزات ابراهیم، موسا، عیسا و محمد(ص) را سحر و جادو دانسته و هم او کتاب الدماغ را در رد کتاب مسلمانان نگاشت. کتاب عبث‌الحکمه را در تأیید ثنویت، کتاب البصیره را در رد اسلام و کتاب القضیب را در باب حادث بودن علم خدا نوشت.<sup>۴</sup> یونس بن ابی‌فروه کتابی در عیوب اسلام نوشت. ابن‌ابی‌العوجا نیز در معارضه با قرآن کتابی تألیف کرده بود، گویند ابن‌ابی‌العوجا در ظاهر مسلمان و در باطن مانوی بود و عقیده‌ی خاصی درباره‌ی دو اصل خیر و شر داشت، بعضی از مانویان او را پیغمبر دانسته‌اند. (بدء و تاریخ).<sup>۵</sup>

وقتی ابن‌ابی‌العوجا را در کوفه می‌کشتند اعتراف کرد که چهارهزار حدیث، جعل کرده که با آن‌ها حلال‌ها را حرام و حرام‌ها را حلال کرده است.<sup>۶</sup> به گفته‌ی تبری عامل کوفه او را در سال ۱۵۵ به قتل رسانید و بشار مرثیه‌ای در رثای او سرود.<sup>۷</sup> بعد از او فرقه‌ای به نام عوجاییه پیروان او را تشکیل می‌داد که نام این فرقه را در فهرست فرقه‌های غلامه شیعه می‌توان دید. ابوشاکر دیصانی از دیگر متفکران مادی بود که با امام جعفر صادق مناظره‌ها داشت. برخی مانویان او را نیز پیغمبر دانسته‌اند. ابو عیسا وراق و ابوتمار مطب از دیگر متفکران دهری بودند که عالم را قدیم می‌دانستند. صالح بن عبدالقدوس از متکلمان و شاعران زنادیق بود که در بصره و دمشق وعظ می‌کرد. اشعارش حکمت‌آمیز بود و در آن‌ها از شاهان و پهلوانان ایرانی بسیار نام برده، معانی زندقه را در اشعارش می‌گنجاند، مهدی خلیفه که شنیده بود در ابیاتی به پیامبر تعرض کرده او را

۱. دو قرن سکوت.

۳. حلاج.

۵. جنبش‌های دینی.

۷. جنبش‌های دینی.

۲. جنبش‌های دینی.

۴. نه شرقی نه غربی.

۶. تاریخ شیعه.

تحت تعقیب قرار داد. ابوحماد عجرد نیز درباره‌ی دین ثنویه (مانوی) کتابی نوشت.<sup>۱</sup> کتب زندقه در آغاز دولت بنی‌عباس نشر یافت و در تولید شک در عقیده‌ی مردم دخیل بد از آن‌جا که این مرام که متفکران مادی را نیز شامل می‌شد بسیار برای دین خطرناک بود خط‌مشی اصلی خلفا بر آن قرار گرفت که با زندقه مبارزه کنند و هرگاه تصمیم به نابودی کسی داشتند به او اتهام زندقه می‌زدند. ابن‌ابی‌العوجا، ابن‌مقفع، بشار و پسر ابو‌عبداله معاویه بن عبیداله نیز به این اتهام کشته شدند و ابونواس نیز به حبس افتاد. در سال ۱۶۶ افرادی چون داوود بن روح حاتم، اسماعیل مجالد، محمد بن ابی‌ایوب و محمد بن طیفور نیز به جرم زندقه دستگیر شدند. گاه زندقه و سست‌اعتقادی در میان شاعران اوایل عهد عباسی چون ابوالعتاهیه و ابونواس دیده می‌شد برخی از آنان به عقاید دهریه و معطله عهد جاهلیت معتقد بودند. بشار روایت پیرامون ثواب اعمال عبادی را مسخره می‌کرد و یکی از ترانه‌هایش را بهتر از سوره‌ی حشر می‌دانست.<sup>۲</sup> در شعرهای هجایی - حماسی شعوبیه ستیز پنهانی با اسلام به چشم می‌خورد.

ابوعبید معمر بن مثنی در انتقال موراثت یهودی خود به اسلام می‌کوشید جاحظ در رسائل خود می‌گوید محفل ابوعبیده همواره آکنده از سیاست اردشیر بابکان و انوشیروان است درباره‌ی ابن‌مقفع می‌گوید معدن علمش کتاب مزدک و گنجینه‌ی حکمتش کلیده و دمنه است.<sup>۳</sup>

در سده‌ی سوم موبدان زرتشتی که با شعوبیه نیز در ارتباط بودند نیز تالیفاتی در زمینه‌ی ادبیات دینی پهلوی چون دین‌کرت، دادستان دینیک، شکند گمانیک و یچار، اختیارا زادسپرم، مادیگان گورزستک ابالیس و... از خود به جا گذاشتند.

اما مدعیان پیغمبری بیش‌تر از ایران یا مناطق باستانی بین‌النهرینی برمی‌خاستند. به‌گفته‌ی بتری کار قرمطیان نیز از کوفه شهر معروف ایرانی‌نشین آغاز شد.<sup>۴</sup> یکی از این مدعیان محمد ایرانشهری مردی بود که دعوی نبوت عجم کرد، چیزی جمع کرد به پارسی که این قرآن من است. دیگر احمد بن زکریای کیال برخاسته از نیشابور بود چنین گفت مرا فرموده‌اند که این شریعت را فرونهم و شریعت دیگر پیدا آورم. از ناحیه‌ی کوفه یکی مغیره فرزند سعید کوفی و دیگر ادبی منصور معروف به کسف ادعای

۱. جنبش‌های دینی + حلاج.

۲. شعوبیه افتخارزاده.

۳. همان.

۴. نهضت ابو سعید گناوه‌ای.

پیغمبری کردند.<sup>۱</sup> از دیگر مدعیان یکی یزدبن انیه از مردم بصره بود که به ایران آمد و ادعا کرد شرع او شرع محمد را نسخ می‌کند. دیگر شخصی به نام محمود بن فرج نیشابور بود که در سال ۲۳۵ در سامرا سر بلند کرد و مدعی شد جبرئیل بر او وحی می‌فرستد و کلامی جمع کرده بود که آن را قرآن خود می‌دانست. بهافرید نیز دعوی پیغمبری کرد به‌گفته‌ی بیرونی هفت نماز برای اتباع خود واجب گردانید و ابن‌ندیم هم می‌گوید پنج نماز بی‌سجود رو به‌مغرب معین کرد تا آن‌که قیام او به‌دست ابومسلم به‌خاک و خون کشیده شد.<sup>۲</sup> پس از قیام ابومسلم که مسیر آن در نهایت به‌نفع استحکام حکومت عباسی و قتل خود او به‌پایان رسید، بیش‌تر قیام‌ها به‌یاد و نام او صورت می‌گرفت و برای هر یک از فرزندان و دوستانش فرقه‌ای مذهبی ایجاد شد. هر یک از این قیام‌ها از طرف مخالفان به‌شعبه‌ای خاص از شیعه منسوب می‌شد.<sup>۳</sup>

از اثرات قتل ابومسلم بر جنبش‌ها تلفیق عقاید شیعه و زرتشتی - مانند حلول ابومسلم در دیگران - و عقاید مزدکی بود.<sup>۴</sup> سندباد به‌پیروان خود می‌گفت «مزدک شیعی بود، من شما را فرمایم که با شیعه دست یکی دارید و خون ابومسلم باز خواهید.» او در دین خود متعصب نبود و با کسانی که در اصول دین از او جدا بودند تساهل قایل می‌شد و گویا در صدد نابودی خانه‌ی کعبه بوده است. اسحاق ترک نیز به‌روایت ابن‌ندیم ابومسلم را پیغمبری فرستاده‌ی زرتشت می‌دانست.<sup>۵</sup>

جنبش استادسیس نیز رنگ دینی داشت، او ادعای پیغمبری کرد و گویا او را از موعودهای زرتشتی تلقی می‌کرده‌اند. المقنع نیز ابتدا دعوی پیغمبری سپس دعوی خدایی کرد نماز و روزه را ساقط کرد و مساجد را با خاک یکسان ساخت خلاصه به‌گفته‌ی بلعمی خلیفه از بیم او به‌گریه درآمد.<sup>۶</sup> راوندیه گروهی بودند که گرد قصر خلیفه آمدند و او را پروردگار خود خواندند اما در اصل قصد هلاک او و اسلام را داشتند.<sup>۷</sup> از جمله قیام‌هایی که دو بعد نژادگرایی در جهت تصاحب ملک و احیای دین کهن در

۱. بیان‌الادیان.

۳. سلطان‌العشاق.

۵. جنبش‌های دینی.

۷. جنبش‌های دینی.

۲. جنبش‌های دینی.

۴. حلاج.

۶. شعوبیه ممتحن.

آن اهمیت و وضوح بیشتری داشت، قیام مازیار و قیام بابک خرم‌دین بود، مازیار پسر کارن تعلق شدید به آداب و دین ایرانی داشت و در زمان معتصم تلاش در نابودی مساجد و آثار اسلام کرد. بابک نیز به احیای آداب و دین کهن اهمیت بسیار می‌داد و در جوامع‌الحکایات از قول مقدسی نقل شده که بابک هزاره‌زار مسلمان کشته بود.<sup>۱</sup> خرم‌دینان کسانی بودند که محرّمات را حلال می‌شمردند یعنی اهل اباحت بودند خرمیان به گفته‌ی مقدسی به رجعت اعتقاد داشتند دیگر قیام علی‌محمد برقی صاحب زنجش مشهور بود که به گفته‌ی مورخان زیر تاثیر افکار اشتراکی مزدک بوده. خواجه نظام‌الملک می‌گوید او به قیام خود صورت مذهبی بخشیده بود و به گفته‌ی مسعودی نسب خود را به دروغ به ابوطالب می‌رساند.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر عقاید شعوبی در تشکیل فرقه‌های باطنیان چون اسماعیلیان و قرمطیان موثر بود. بغدادی شعوبیه را یکی از اصنافی که به ترویج مذهب باطنیه می‌پرداخته شمرده و گوید اینان آرزوی ملک ایرانیان دارند.<sup>۳</sup> در آخر سده‌ی سوم قرمطیان جنوب ایران به نشر عقیده‌ی خود پرداختند که اصل آن نیز از فکر شعوبی سرچشمه می‌گرفت آنها می‌گفتند چون عرب حسین(ع) را کشته‌اند خدایشان مورد لطف قرار نمی‌دهد.<sup>۴</sup>

ابعاد تاویلی و باطن‌گرایانه‌ی اسماعیلیه زمینه‌ی مناسبی برای ادغام آرا و پرورش عقاید باستانی شعوبیه بود در ضمن غلام شعوبیه با قرمطی‌ها و اسماعیلیه هم‌صدا بودند. خاورشناس هلندی راینهات‌دوزی عقیده‌ی اسماعیلیان را فکری ایرانی پنداشته که از افکار مانویان و صابئین حران و فلسفه یونان متأثر شده است. میخائیل یان دوخویه خاورشناس دیگر هلندی، عبدالله بن میمون قداح، رییس قرامطه را از ایرانیانی دانسته که هدفشان از تشکیل فرقه، دشمنی با عرب بوده است، برنارد لویس آن را فرقه‌ی عربی می‌داند که موالی اعم از ایرانیان و آرامیان به آن مذهب درآمدند.<sup>۵</sup> ابولمعالی محمد علوی در کتاب خود بومیمون قداح را که مدعی زیر و زبر کردن دین اسلام بود موسس فرقه‌ای به نام شفیعیه می‌داند «اصل مذهب ایشان به ظاهر مذهب تشیع و به باطن کافر محض‌اند... هر یکی را از احکام شریعت تاویلی و باطنی نهاده‌اند چنان‌که چون

۱. دو قرن سکوت.

۳. تاریخ شیعه.

۵. تاریخ شیعه.

۲. حلاج.

۴. جنبش‌های دینی.

به حقیقت بنگری همه در ابطال شریعت کوشیده‌اند.<sup>۱</sup> عبدالقاهر بغدادی و ابن حزم اندلسی نیز قرمطیان را از نفوذیانی می‌دانند که در باطن پیروان راستین زرتشتند.<sup>۲</sup> تصوف نیز - به خصوص در خراسان - یکی از حرکات تعدیل‌گرایانه در دین بود. دکتر ناث معتقد است که تصوف بیش از سایر فرقه‌ها، اسلام را ساده کرد از این رو عرفایی چون عطار، رومی، حافظ و شبستری به جای گرایش به توحید اسلامی به وحدت وجود در عشق روی آوردند.<sup>۳</sup> و در واقع فرقه‌هایی چون نقطویه، حروفیه و بکتاشیه که کلیه‌ی جهان را ذات حق می‌شناختند<sup>۴</sup> نهضت‌های ضد عرب بودند که به اقتضای زمان با رنگ مذهبی جلوه‌گر شدند.<sup>۵</sup>

### رد پای شعوبیه

جنبش شعوبی در معنای وسیع خود حتا در حرکت زهد و تنسک که از بصره و شام شروع شده بود اثر نهاد. زهاد خراسانی چون فضیل عیاض، ابراهیم ادهم و شقیق بلخی با تأثراتی از موارث شرق همراه موج ایرانیان رو به غرب و مرکز خلافت نهادند و به اقوال و آداب زهاد رنگ دیگر دادند.<sup>۶</sup> بعضی از محققان غرب از جمله ر. دوزی سرچشمه‌های تصوف را زرتشتی‌گری و مانویت و واکنش آریایی علیه عربیت و اسلام دانسته‌اند.

کاراد. و. معتقد است که مبنای فلسفه‌ی اشراق همان فلسفه‌ی نوافلاتونی است که از دست خردمندان ایرانی - زرتشتیان و مانویان - گذشته است.<sup>۷</sup> (اشاره به مسافرت فلوتین در عهد ساسانی به ایران و آموختن فلسفه‌ی اشراق و بنیانگذاری فلسفه‌ی نوافلاتونی پس از بازگشت به اسکندریه).  
آ. گاردولوسکی، دانشمند روسی نیز تصوف را واکنش هند و ایرانی علیه عربیت می‌شمرد. وجود رقص، سماع، موسیقی و وحدت وجود جنبه‌های ایرانی و ضد اسلامی بود که در تصوف به وجود آمد.<sup>۸</sup> دکتر کزازی نیز معتقد است که هفت شهر

۲. نهضت ابوسعید گناوه‌ای.

۴. حلاج.

۶. زندگی جاحظ.

۸. حلاج.

۱. بیان‌الادیان.

۳. اسلام در ایران (ناث).

۵. سیری در تصوف.

۷. اسلام در ایران پتروشفسکی.

عشق و عرفان هم، ریشه در هفت‌خوان‌های پهلوانان حماسی ایران دارد.

سعید نفیسی با تأیید تأثیر فلسفه‌ی مانوی بر تصوف، تأثیر فلسفه‌های یونانی، یهودی و نصاری را به‌طور غیرمستقیم از طریق دین مانی بر تصوف اضافه می‌کند.<sup>۱</sup>

گروهی از صوفیان بدون این‌که به‌طور مستقیم شریعت اسلامی را منکر شوند، برای اجرای آن چندان اهمیت قایل نبودند. هجویری در کتاب خود از گروهی وابستگان تصوف نام می‌برد که ترک بعضی آداب شریعت را پس از طی مراحل جایز داشته‌اند از این روی آن‌ها را از ملاحظه شمرده است.<sup>۲</sup> در سده‌های چهار و پنج تصوف چنان در خراسان رواج یافت که متشرعان در مقابل تصوف ایستادند. از سوی دیگر بسیاری از صوفیان نیز چون ابونصر سراج، ابوطالب مکی، ابوبکر کلاباذی، قشیری، امام محمد غزالی و دیگران در کتاب‌های خود سعی در سازش میان تصوف و شریعت کردند. بعدها دست شعوبیه به‌صورت ایجاد علم حروف و فرقه‌هایی در رابطه با آن ظاهر شد. ابن‌خلدون پیدایش علم حروف را با ظهور غلاه‌ی متصوفه مربوط می‌داند.<sup>۳</sup> و همان‌گونه که اشاره شد تصوف نیز زیر تأثیر شعوبیه بود. نقطویه و حروفیه را از ناحیه‌ی تأثر از زرتشتی‌گری و مانویت که بخشی از فعالیت شعوبیان بود می‌توان از پدیده‌های آثار به‌جامانده‌ی شعوبیه دانست. این بدعت‌های تعدیل‌گرایانه‌ی دینی گاه با نژادگرایی همراه بود. محمود پسیخانی مؤسس نقطویه می‌گفت: «دین اسلام برافتاد و دور عرب به‌پایان رسید. از این پس، دور، دور، دور عجم است».<sup>۴</sup>

حروفیان رییس خود فضل‌اله نعیمی را خدای مجسم می‌دانستند که خود به‌گونه‌ای غلاه‌ی شیعه و حلولیه را به‌یاد می‌آورد. فضل‌اله هم خود را صورت تام حق تعالی می‌دانست. به‌هر حال این‌گونه آرا و عقاید در مظاهر مختلف حیات معنوی مردم آن روزگار جلوه‌گر شد.

شعوبیه گاه در جهت پیش‌تر جلوه دادن الوهیت آیین کهن دست به‌جعل روایت می‌زدند، در روایات شعوبی می‌بینیم هنگامی که دختر یزدگرد وارد مسجد مدینه شد نور فره ایزدی او بر نور نبوت محمدی برتری یافت. (بصائر الدرجات).<sup>۵</sup>

۱. همان.

۲. کشف‌المحجوب.

۳. حروفیه و فرق صوفیه.

۴. همان.

۵. اسلام در ایران (ناث).



در علم کلام هم گروهی از زندقیان از جمله ابن طالوت، ابوشاکر دیصانی، ابن الاعدی الحریری، حماد عجرد، صالح بن عبدالقدوس، ابن ابی العوجاء و نعمان در آثار خود کتاب‌های متکلمین اسلامی را نقض می‌کردند.<sup>۱</sup> بشار بن برد خود در ردیف مشایخ بزرگ مکتب کلامی بصره بود و در کلام با واصل بن عطا درگیر شد.

شعوبی‌ها با اشاره به آثار ادبی حکمی ایرانیان، یونانیان و هندیان معنویت عمیق در حکمت را به این ملل اختصاص می‌دادند. اخوان‌الصفاء نیز گروهی بودند که فلسفه را فوق شریعت می‌دانستند و به عقیده‌ی برخی تشیع‌شان نیز ظاهری بوده است.<sup>۲</sup> اما به‌گفته‌ی دکتر صفا آن‌ها سعی کردند اصول حکمت و فلسفه را با مبانی اسلام سازش دهند.<sup>۳</sup>

ترویج خمیره‌سراییی از شاعرانی چون ابونواس نیز از سویی به سنت شعر جاهلی و از سوی دیگر به نوعی سست دینی در اعتقاد بازمی‌گشت.

جلوه‌ی حس شعوبی در میان حکومت‌ها و چندی بعد در سرشکی‌های امیران دیلم و تبرستان نیز آشکار شد. طاهر بن حسین از طاهریان مشوق شعوبیان شمرده می‌شد و به‌علان شعوبی به‌خاطر نگارش مثالب عرب پاداش فراوان داد و خود قصیده‌ای در تفاخر به‌نیاکان سرود «و ابی من لا کفء له / من یساوی مجده؟ قولوا»<sup>۴</sup> حکومت‌های صفاریان، دیلمیان و زیاریان نیز هر یک به‌گونه‌ای در صدد احیای آداب و آیین باستان و مبارزه با خلیفه برآمدند. در این‌جا باید یادآور شد ولایت‌های ساحلی دریای خزر به‌ویژه تبرستان، گیلان، دیلمان و اسپهبدان - که مقر تشکیل این سلسله‌ها بود - در برابر دین نو مقاومت زیادی کردند و تا دیرزمانی مذهب زرتشتی داشتند.

#### سرچشمه‌ها:

- ۱- افتخارزاده، محمود، نهضت شعوبیه. نشر میراث‌های تاریخی اسلام و ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۲- افراسیابی، غلامرضا، سلطان‌العشاق. انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۳- بهرامی احمدی، حمید، مقاله‌ی شعوبیه و تاثیرات آن در سیاست و ادب ایران و جهان اسلام. سایت اینترنتی.

۲. حلاج.  
۴. شعوبیه ممتحن.

۱. جنبش‌های دینی.  
۳. تاریخ علوم عقلی.

- ۴- پتروشفسکی، ایلیا پولویچ، اسلام در ایران، انتشارات پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴.
- ۵- ذکاوته، قراگزلو، زندگی و آثار جاحظ. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین، دو قرن سکوت. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۰.
- ۷- \_\_\_\_\_، نه شرقی نه غربی، انسانی (مقاله‌ی زندقه و زندقه‌ی زندقه). تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
- ۸- \_\_\_\_\_، تاریخ ایران بعد از اسلام. تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۲.
- ۹- صدیقی، غلامحسین، جنبش‌های دینی ایرانی. نشر پازنگ، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۱۰- صفا، ذبیح‌اله، تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۸.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، تاریخ علوم عقلی. جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- ۱۲- \_\_\_\_\_، حماسه‌سرایی در ایران. تهران: فردوس، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
- ۱۳- فرزام، حمید، صوفیه و فرقه‌ی حروفیه. چهارمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۳.
- ۱۴- قبادیانی، ناصر خسرو، دیوان. تصحیح کرامت تفنگدار، نشر چکامه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۵- گلدزیهر، شعوبیه. نشر میراث‌های تاریخی اسلام و ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۶- لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب. برگردان: سید محمدتقی فخرداعی‌گیلانی، انتشارات افراسیاب، ۱۳۷۸.
- ۱۷- مدرسی، چهاردهی، نورالدین، سیری در تصوف. انتشارات اشراقی، چاپ دوم، ۱۳۶۱.
- ۱۸- مشکور، محمدجواد، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام. اشراقی، ۱۳۵۳.
- ۱۹- ممتحن، حسینعلی، نهضت شعوبیه. انتشارات باوردان، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۲۰- میر فطوس، علی، حلاج. چاپ چهارم، ۱۳۵۷.
- ۲۱- ناث. ر.، اسلام در ایران. موسسه‌ی نشر میراث‌های تاریخی اسلام و ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۲۲- هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب. تصحیح ژوکوفسکی، کتابخانه‌ی طهوری، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- ۲۳- همایی، جلال، شعوبیه. انتشارات کتابفروشی صائب، ۱۳۶۳.
- ۲۴- زرین کوب، عبدالحسین، از چیزهای دیگر. انتشارات اساتیر، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۲۵- حمیدی، جعفر، نهضت ابو سعید گناوه‌ای. مؤسسه‌ی فرهنگی رسا، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- ۲۶- علوی، محمدبن نعمت، بیان‌الادیان، انتشارات موقوفات دکتر افشار، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۲۷- ماسینیون، لویی، قوس زندگی حلاج، برگردان: روان فرهادی، نشر کتابخانه‌ی منوچهری، ۱۳۵۸.